

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با آنخل پرادو
برگردان از: هوشنگ نوری
۰۴ مارچ ۲۰۲۰

جامعه نو از دل کمون بیرون می آید



مقدمه مترجم:

مطلب حاضر مصاحبه ایست با یکی از اعضای اصلی یکی از کمون‌ها یا شوراهای ونزوئلا. آنخل پرادو توضیح می‌دهد که چطور برای حرکت به سوی سوسیالیسم، جنبش کمونی/شورائی در ونزوئلا باید هم علیه امپریالیسم ایالات متحده مبارزه کند و هم در مسائلی که دولت مادورو سیاست‌های سرمایه‌دارانه را وضع و تشدید می‌کند جلو آن بایستد. البته، او با صداقت تمام توضیح می‌دهد که در برخی موارد ایشان مجبور اند برای مقابله با توطئه‌های امپریالیستی از سیاست‌های سرمایه‌دارانه دولت چشم‌پوشند. توضیح مهم‌تر پرادو آنجائی است که وی توضیح می‌دهد برای پیشبرد سوسیالیسم از دل همین کمون‌ها و شوراها باید، علاوه بر تلاش برای استقلال اقتصادی، در زمینه مسائل آموزشی کار کنند و نیروهائی تربیت کنند تا در آینده بتوانند این حرکت را در سطوح بالاتر سیاسی و دولتی پی بگیرند. البته روشن است که طرح مبتنی بر مدیریت خودگردان شورائی در جائی مشابه ونزوئلا امکان‌پذیر است که دولت اگرچه تماماً همراه این شوراها نیست، آن‌ها را سرکوب نمی‌کند. ضمن این که با انقلاب بولیواری وضعیت مساعدی برای این شکل از مبارزه فراهم شد. به عکس، دیدیم که در ایران چپ‌هائی که شعار شورائی‌سازی را در هر کجا جار می‌زدند چیزی بیش از یک نوع رژیم‌چنج را طلب نمی‌کردند و نه فقط هیچ مرزبندی مشخصی با ستراتیژیهای سرنگونی‌طلبانه و

امپریالیستی طرح‌ریزی نکردند، بلکه عملاً در همان زمین حرکت می‌کردند. ضمن امیدواری برای حرکت هرچه بیشتر ونزولانی‌ها به سمت سوسیالیسم و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، به نظر می‌رسد که آشنائی با نحوه عملکرد سوسیالیست‌های ضد امپریالیست راستین در ونزولا یکی از مهم‌ترین وظایفی است که بر دوش ماست!

۱۱ اسفند [حوت] ۱۳۹۸



ال‌مایزال سرفرماندهی یکی از کمون‌های روستائی است بین ایالات لارا و پرتغالیا، که هم دامپروری می‌کند، هم غلات و محصولات غذایی دیگری تولید می‌کند. تولید اشتراکی در ال‌مایزال مبتنی است بر کنترل اجتماعی ابزار تولید. فرایندهای دموکراتیک اصلی این کمون عبارت‌اند از تصمیم‌گیری جمعی در فرایند کار و نیز در توزیع محصول اضافه که اغلب صرف مسائل داروئی و مسائل مسکن در جامعه می‌شود و همچنین برای حمایت از دیگر کمون‌ها و تدارک ابتکار عمل‌های مربوط به تعلیم و تربیت هم استفاده دارد.

در این مصاحبه اختصاصی با آنخل پرادو، سخنگوی اصلی ال‌مایزال، ما درباره نقش کمون در انتقال به سوسیالیسم، حمایت نقادانه کموناردها از دولت و برنامه‌هایشان برای خلاقیت‌های آموزشی و تربیتی بلندپروازانه صحبت می‌کنیم. پرادو همچنین از تأملات خویش درباره دهمین سالگرد تأسیس کمون و دشواری‌های پیش رو صحبت می‌کند.

از آنجا که ونزولا تحت فشار و محاصره امپریالیسم است، باید جبهه واحدی در مبارزه برای حاکمیت مردمی وجود داشته باشد. البته، کمون ال‌مایزال مانند بیشتر سازمان‌های تودهنی چاویستی نگرش نقادانه‌ای به سیاست‌ها و مواضع دولتی دارد. نظر شما درباره دیالکتیک بین حمایت و نقادی چیست؟

وقتی ال‌مایزال اشغال زمین‌های معطل‌مانده و اشتراکی‌سازی آن‌ها را کلید زد، زمانی بود که فرمانده چاوز جنگ بی‌امانی را علیه الیگارشی به‌جامانده از استعمار دولت‌های بزرگ شروع کرده بود. پس ال‌مایزال در میانه نبرد اقتصادی و سیاسی زاده شد. در این بستر، ما ضرورتاً وارد تضادی با نظم موجود شدیم: منطق حاکم بر جامعه ما به این ترتیب، تاریخمان ما را وارد یک نوع سازمان‌دهی نقادانه کرد، یعنی نبرد علیه «ضد ارزش‌های» جامعه سرمایه‌داری که باید آن‌ها را از میان برداریم. به همین دلیل است که نمی‌توانیم چشمان را بر روی این مسأله ببندیم که منطق غیرچاویستی در حال ورود به سپهر سیاسی است.

از زمان مرگ چاوز، که شدیداً ما را در مقابل امپریالیسم ایالات متحده آسیب‌پذیر کرده است، تمرکز اصلی دولت این بوده است که بکوشد تا اتحادیه‌های تاکتیکی با بسیاری از بخش‌ها ایجاد کند، حتی با بخش سرمایه خصوصی انحصاری. آن‌ها این کار را کردند تا اولاً از جنگ داخلی یا مداخله نظامی پیشگیری کنند و ثانیاً از سقوط دولت جلوگیری کنند.

اصول ما، اهداف ما و تعهد ما به چاوز یعنی این که ما نمی‌توانیم با برخی از سیاست‌های دولت توافق داشته باشیم. بسیاری از قراردادهایی که به بخش خصوصی انحصار می‌دهند، فی‌الواقع ظرفیت و توان کمون‌ها را به حاشیه می‌برد - بنابراین وقتی نوبت به این نوع سیاست‌گذاری‌ها می‌رسد، ما از دولت پشتیبانی نمی‌کنیم. به هر جهت، تا زمانی که دولت در مبارزه علیه امپریالیسم استوار و راسخ است (چنان که فعلاً چنین است)، ما نیز در ماندن در جبهه‌ای واحد با دولت راسخ می‌مانیم.

ما به انتقاد سازنده از دولت ادامه خواهیم داد، اما هر چه هم بشود، نمی‌خواهیم اقداماتی انجام دهیم که زمینه مداخله نظامی را فراهم کند.

همان‌طور که می‌دانید، ما مداخله مستقیم را منتفی نمی‌دانیم و پیش‌تر هم شاهد اقدامات غیرمستقیم ایالات متحده در ونزوئلا بوده‌ایم. علاوه بر این، این نخستین بار نیست که ایالات متحده در ونزوئلا مداخله کرده است؛ مثلاً، در محاصره بحری طی سال‌های ۱۹۰۲-۱۹۰۳. قاره ما تاریخی طولانی از مداخلات را از سر گذرانده است که یکی از آخرین مداخلات اشغال پاناما در ۱۹۸۹ بوده است. همچنین، بی‌دلیل نیست که ایالات متحده در کلمبیا و اروپا پایگاه نظامی دارد.

امریکای لاتین تاریخ طولانی از مداخلات ایالات متحده، سرنگون کردن دولت‌ها و قتل‌های عام مردم را از سر گذرانده است. اما ونزوئلا اینک توانسته بیخ گوش امپریالیسم ایالات متحده روی پاهای خود بایستد. این تا حدی به دلیل همبستگی بین‌المللی طی مرور زمان، فرایند یکپارچگی قاره‌ای که توسط چاوز کلید خورد (که در این مورد چاوز پا جای پای بولیوار گذاشته است) و سازمان‌دهی داخلی طبقه کارگر بوده است.

ما که در جنبش مردمی حضور داریم - با سطح استقلال و اختیار و اراده‌مان برای بیان چیزهایی که باید گفته شود - جزء کسانی هستیم که شرایطی ایجاد کرده‌ایم که مانع مداخله ایالات متحده بشویم، مداخله‌ای که نه فقط برای مردم ونزوئلا، بلکه برای کل قاره فاجعه‌بار خواهد بود.

کمی به عقب بازگردیم: سیاست‌های زیادی وجود دارد که ما با آن‌ها مخالفیم. در مقابل این سیاست‌ها ما منتقدیم نه مطیع. اما می‌فهمیم که تعهد تزلزل‌ناپذیرمان به دفاع از میهن، باید یکی از کلیدهای مقابله با بمب‌افکنی و کشتار ایالات متحده باشد. در واقع، خلاف دیگر دولت‌های تولیدکننده نفت که امپریالیسم ایالات متحده به آن‌ها هم نظر داشته است، جنبش مردمی ونزوئلا هر گاه که مسأله کل حاکمیت مردمی در میان باشد در کنار دولت می‌ایستد و این یکی از دلایلی است که مادورو هنوز بر سر کار است.

هر قدر هم عجیب به نظر برسد، فکر می‌کنم می‌توانیم بگوئیم که جمهوری بولیواری ونزوئلا تا همین جا هم پروژه امپریالیستی را در کشور شکست داده است. نمونه ونزوئلا الهام‌بخش مردمان امریکای لاتین است، مردمانی که هم‌اینک علیه نظام نئولیبرالی که سال‌هاست عملی می‌شود به پا خاسته‌اند.

وقتی در کنار دولت می‌ایستید تا از ونزوئلا حمایت کنید، آیا صرفاً از حاکمیت دولت حمایت می‌کنید یا از انقلاب هم حمایت می‌کنید؟

می‌خواهم بگویم که هر دو کار را انجام می‌دهیم. اگرچه فرایندی انقلابی در ونزوئلا در کار است، بخش رفرمیستی هم وجود دارد که ما با در تعارض است. این بخش رفرمیست با استفاده از فرصت‌هایی که از دل بحران‌ها بیرون می‌آید، قدرتمندتر می‌شود. با این همه، خلق از این مسأله آگاه است و جنبش مردمی سخت در تلاش است تا فرایند انقلابی از رونق نیفتد.

مطمئنم که یک روز آن قدر قوی خواهیم شد تا بتوانیم نه فقط با امپریالیسم ایالات متحده بجنگیم، بلکه همچنین با بخش‌هایی که از درون به پروژه انقلابی ضربه می‌زنند هم مبارزه کنیم - آن‌هایی که شخصاً از بستر بحران و جنگ اقتصادی منفعت می‌برند.

دفاع از انقلاب هرروزه رخ می‌دهد. دفاع از انقلاب در ساختن هرروزه کمون در حال وقوع است. دفاع از انقلاب وقتی رخ می‌دهد که یک دهقان برای برآورده کردن نیازهای خانواده‌اش تولید می‌کند، اما همچنین زمانی که او به جامعه در مقام یک کلیت متعهد است نیز دفاع از انقلاب در حال روی دادن است.

این یک پیروزی برای مردم ونزوئلاست که ما هنوز یک ملت حاکم هستیم، که اصلاً چیز کم‌اهمیتی نیست. مردم ونزوئلا هم هرروزه از انقلاب دفاع می‌کنند. این هم پیروزی مهمی است و باید به دنیا شناسانده شود! ممکن است بخش‌هایی از چپ بین‌المللی این را نفهمد. ما خطاب به آن‌ها این حرف چاوز را تکرار می‌کنیم که گفت «کسانی هستند که کل زندگی‌شان را صرف پیگیری یک رؤیا کرده‌اند، اما در عمل آن‌ها هرگز چیزی نساخته‌اند». ما روش، کار و پروژه خودمان را داریم. ما از پروژه‌مان دفاع می‌کنیم و پیروزی نهایی ما آن روزی خواهد بود که «خلق قدرت را به دست بگیرد».



شما درون‌ال‌مابزال چطور طرح و نقشه چاوز برای کمون را می‌فهمید؟ آیا این کاری است مربوط به حاکمیت بر خود و خودمدیریتی یا از این هم فراتر می‌رود؟

کمون قمار سیاسی فرمانده چاوز است. او آن را در رأس امور می‌دانست. شعار او، «یا کمون یا هیچ‌چیز»، این مفهوم را به سرمنزل مقصود می‌رساند.

کمون نظام سیاسی است که چاوز آن را کاشت، غرس کرد و بارورش ساخت. او این کار را طوری انجام داد که گوئی یک جامعه جدید در حال شکفتن است. کمون چیزی نیست جز بازسازمان‌دهی جامعه در مقام یک کلیت، از کوچکترین بخش تا بزرگترین بخش، به طوری که مردم بتوانند قدرت داشته باشند.

در شیوه تفکر چاوز، کمون بناست که به قدرتی پایان بدهد که سال‌های سال در دست بورژوازی، طبقات حاکم و دولت منسوخ آن بوده است - دولتی که مردم عادی را نه فقط از مشارکت در سپهر سیاست، بلکه از همه دیگر سپهرهای زندگی نیز محروم کرده بوده است.

کمون طرح و نقشه جذابی است: شکلی از خودمدیریتی ارائه می‌کند، به ما این قدرت را می‌دهد تا سرنوشت خودمان را تعیین کنیم، خودمان برای منابعمان تصمیم بگیریم، مدل تولیدی خودمان را معین کنیم و نوع زندگی‌مان را تصور و تخیل بکنیم. من فکر می‌کنم که کمون معتبرترین شیوه برای غلبه بر مدل تحمیلی سرمایه‌داری است، مدلی که ماشینی

دولتی می‌سازد تا کنترل منابع ما را در دست بگیرد و علاوه بر آن، شکل‌های مشخصی از سلطه فرهنگی، ایدئولوژیک و دینی بر مردم ایجاد کند.

حتی جسارت به خرج می‌دهم و می‌گویم کمون طرح و نقشه‌ای برای صرفاً مردم ونزوئلا نیست؛ نقشه‌ای است برای رهایی مردم جهان. طبقات عامه، بی‌چیزان، اکثریت - همه ما باید مرحله و سطح محلی‌مان شروع کنیم و کمون‌های سوسیالیستی ایجاد کنیم. از آنجا (یعنی به میانجی خلق سازمان‌دهی‌شده در کمون‌ها) باید به حاکمیت مردم برسیم، حاکمیتی با کنترل واقعی منابع طبیعی و منابع اقتصادی‌مان به طور کلی.

این پروژه‌ای مردمی است در راستای دگرگونی مدل سیاسی و اقتصادی از پائین. بدین طریق، مردم به بخشی از پروژه تبدیل خواهند شد، آن را پروژه خود خواهند دانست و در وهله نخست، حاکمیت محلی خود را شروع خواهند کرد. همچنین، تا جایی که ما، خلق، بتوانیم خودمان را سازمان‌دهی کنیم، قادر خواهیم بود از کشور‌هایمان دفاع کنیم و حتی می‌توانیم آینده هر کشور را تعیین کنیم. در پایان، این تنها راه رها شدن از یوغ امپریالیسم است که منابع ما را در اختیار دارد و بر آن‌ها سلطه دارد، حتی اگر در ظاهر این‌طور باشد که این بورژوازی داخلی است که بر ما حکومت می‌کند. کمون پروژه‌ای وسیع است. پروژه‌ایست که سرزمین‌های درون یک کشور را با محوریت خلق یکپارچه می‌کند. من فکر می‌کنم که کمون می‌تواند پایگاهی باشد که از طریق آن می‌شود یک جور یکپارچگی قاره‌ای راستین بنا کرد. همان‌طور که چاوز گفت، کمون میهن جدید است. این تنها بدیل سیاسی در مواجهه با سرمایه‌داری است.

در چند ماه اخیر، ال‌مایزال یک جور خلاقیت آموزشی مهم را کلید زده است. در هر پروژه سیاسی مربوط به خودمدیریتی، تعلیم‌وتربیت سیاسی باید یکی از تکیه‌گاه‌های اصلی باشد. می‌توانید درباره این طرح بیشتر بگویند؟

برای دومین دهه کار کمون ال‌مایزال، ما چند هدف ستراتیژیک تعیین کرده‌ایم. یکی از آن‌ها ساختن نظام تعلیم‌وتربیت مردمی است که ما را به لحاظ سیاسی آموزش می‌دهد، از لحاظ فنی آماده می‌سازد و ابزارهایی در اختیار ما می‌گذارد تا در راستای دگرگونی اشتراکی عمل کنیم. ما یک کمون ساخته‌ایم و این چیز کمی نیست، اما اینک زمان آن فرارسیده است تا برای رفتن به سمت دگرگونی فرهنگی بنیادی سخت کار کنیم. ما باید یک جور آگاهی جدید خلق کنیم. ما به این نیاز داریم تا خلق‌مان مسائل را با معیارهای خویش ببیند و از مجرای فرایندهای آگاهانه مباحثه و تأمل، آینده خویش را تعیین کند؛ در این کار باید سازوکارهای لازم برای ساختمان اشتراکی را نیز بیاموزیم. برای انجام چنین کارهایی، ما نظام تربیتی خود را ایجاد کرده‌ایم.

ما نمی‌خواهیم خلق صرفاً شعارها را تکرار کند، یا کورکورانه دنبال یک سرنام یا پرچم برود. امسال، می‌خواهیم تعلیم‌وتربیت سیاسی و آموزش فنی را به هدفی متقاطع تبدیل کنیم. این هدف نباید محدود باشد. ما درباره نظامی حرف می‌زنیم که با کم‌سن‌وسال‌ترین فرزندانمان شروع می‌شود و آن‌ها اینجا در کمون تحصیل خواهند کرد و امیدواریم که برای آن‌ها برنامه تحصیلی مدرسه‌ای خودمان را هم ایجاد کنیم. نوجوانان، دانشجویان دانشگاهی، کارگران - همه باید در این نظام، که ساخت سیاسی نقادانه را محور کار خویش قرار داده، مشارکت داشته باشند.

ما باید آگاهی میهن‌دوستانه خودمان را بسط دهیم و آگاهی سیاسی ایجاد کنیم. همچنین باید آگاهی مرتبط با کمون ایجاد کنیم - از طریق کار واقعی در این منطقه، اما همچنین از طریق تعلیم‌وتربیت و آموزش.

ما این کار را با هدف دگرگونی فرهنگی جامعه‌مان که فعلاً سراسر نقص است انجام می‌دهیم. جامعه‌ای که ما را مانند موجوداتی مطیع نظام سرمایه‌داری بار آورده است، اطاعتی که با خشونت بر ما تحمیل شده است.

آماده‌سازی کادرهای مبارز یکی از کلیدهای کمون ماست، اما آموزش فنی نیز برای همه فرایندهای تولیدی ما اهمیت ویژه دارد. هدف نظام آموزشی و تربیتی ما کل‌گرایانه است.

ما برای سازمان‌دهی جامعه‌ای نوین کار و به سوی آن حرکت می‌کنیم و این به دگرگونی فرهنگی سترگی نیاز دارد.

سال ۲۰۱۹ دهمین سالگرد تأسیس کمون المایزال است. آیا می‌توانید مختصراً بگویید تا به اینجا چه چیزهایی به دست آورده‌اید؟

در این ده سال ساختن اشتراکی اینجا در کمون المایزال، ما تجارب زیادی انباشته‌ایم و در جبهه‌های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک، انتخاباتی و سازمان‌دهی نبردهایی انجام داده‌ایم. طی سال‌ها، ما این فرصت را داشته‌ایم که با بسیاری از آدم‌های داخل و خارج کمون، که در پروژه ما مشارکت داشته‌اند، ارتباط برقرار کنیم. به عبارت دیگر، کمون یک جور ساختمان جمعی برای رهائی جمعی است.

در جبهه تولیدی، ما توانسته‌ایم نظامی اقتصادی طراحی کنیم که از طریق آن برای پروژه‌ها و امور متنوع درون سازمان و جامعه خودمان سرمایه‌گذاری کنیم. ما قادر بوده‌ایم با موقعیت اقتصادی دشوار تولید مواجهه کنیم و توزیع محصولات غذایی و بازتوزیع محصولات اضافی خودمان را هم گسترش داده‌ایم. همچنین توانسته‌ایم تولیدکنندگان کوچک و متوسط - هم تولیدکنندگان منفرد و هم تولیدکنندگان جمعی - را به نظام تولیدی المایزال متصل کنیم. این کار باعث شده است تا کمون در قامت یک کلیت نیرومند شود.

پیروزی اقتصادی کلید پیروزی سیاسی است. ما برای حاکمیت و استقلال مردم کار کرده‌ایم و در این راستا پروژه‌هایی را اجرا کرده‌ایم که در نگاه اول نامطمئن به نظر می‌رسیدند. ما با کمک و جهت‌دهی کسان بسیاری این کار را انجام داده‌ایم. اینک، احساس می‌کنیم که می‌توانیم پروژه‌های آموزشی و کشاورزی خودمان را هم کلید بزنیم.

در حوزه انتخاباتی هم در نبردهایی سخت چند بار بر راست سیاسی پیروز شده‌ایم، اما همچنین پیروزی‌هایی هم علیه دولت خودمان و نظام سیاسی و انتخاباتی خودمان هم به دست آورده‌ایم. الان ما در مجلس ملی مؤسسان نمایندگان خودمان را داریم، در پارلمان دولتی و همین‌طور در شوراهای شهرک‌های منطقه خودمان. آن نبردها و آن فضاهاى نمایندگی از لحاظ نمادین اهمیت دارند. این‌ها شامل پست‌های نمایندگی می‌شود که بین دولت، حزب و حکومت، از یک طرف، و مردم و جنبش مردمی، از طرف دیگر، محل مناقشه است.

خوشبختانه، در موضوعات انتخاباتی، ما توانسته‌ایم بر مشکلی فائق آئیم که بین همه سیاستمدارانی که غالباً از مردم جدا افتاده‌اند شایع است. درست است که برخی از ما مسؤولیت‌هایی در نمایندگی‌های انتخاباتی داریم، اما بالاتر از هر چیز، ما کموناردهیم.

در جبهه اخلاقی هم من فکر می‌کنم که پیشرفت زیادی داشته‌ایم. امروزه، المایزال شبکه گسترده‌ای از جوانان را در بر می‌گیرد که در فرایندهای تولیدی، سیاسی، مدیریتی و اقتصادی مشارکت دارند. همه ما به طور مداوم با هم مباحثه می‌کنیم و ارزش‌های پذیرفته‌مان را به سؤال و پرسش می‌کشیم و بر اصول جمعی‌مان متمرکزیم. امروزه، المایزال روی پای خود ایستاده است، اما نه صرفاً به خاطر ظرفیت تولیدی‌اش، بلکه همچنین به خاطر مثال اخلاقی‌اش. صداقت و همبستگی کارگری در خدمت سازمان‌دهی است و ما در مسیر حرکت به سوی سوسیالیسمیم - ما این‌طوریم. بسیاری از سازمان‌های مردمی سراسر کشور و سراسر جهان چنین چیزی را ارزشمند تلقی می‌کنند و تصدیق می‌کنند که المایزال به‌عنوان تجربه‌ای کوچک چیز مهمی است و ارزش آن را دارد که چیزهایی از آن بیاموزیم.

من فکر می‌کنم که در مسیر اشتراکی دهساله‌مان، ما کمی جلو رفته‌ایم. کمون‌ال‌مایزال از بیش از ۲۲ شورای اشتراکی تشکیل شده است. کار ما از حدود قلمرو خودمان فراتر رفته است و ما فرایند پیوند یافتن با دیگر اجتماعات و با دیگر پروژه‌های سازمان‌دهی را هم کلید زده‌ایم. در واقع، در میان اهداف تاریخی ما، هدف گسترش پروژه اشتراکی یکی از اهداف ستراتیژیک ماست. تا بدین جا، ما علاقه خودمان به وحدت را ابراز کرده‌ایم و نخستین گام‌های حرکت به سوی جامعه اشتراکی را برداشته‌ایم.



دشواریهای اساسی آینده را چه می‌دانید؟

در ده سال آتی ما سخت کار می‌کنیم تا نظام تولیدی جدیدی را تثبیت کنیم، کار خودمان را به صورت دموکراتیک سازمان‌دهی کنیم، به سوی صنعتی‌سازی حرکت کنیم و میانجی‌ها را از سر راه برداریم. هدفمان هم این است که منطق سرمایه و انحصارهای سرمایه را نابود کنیم، منطقی که هدفش کنترل نیازهای اساسی مردم ما و غارت ایشان است. برای غلبه بر منطق سرمایه، تنها گزینه‌مان این است که قویاً سازمان‌های مردمی و اشتراکی را در کل کشور (و کل جهان) متحد سازیم. از پایگاه‌های چاویسموی راستین به ما فراخوان داده شده است تا برای نیازهای بنیادین جامعه‌مان راه‌های حلی ارائه کنیم. این کار باید در همراهی با هم برای ساخت سازمان‌دهی توده‌ای نوینی رخ بدهد، یک جور مبارزه‌جویی سیاسی که باید با چالش‌هایی که با آن روبه‌روئیم مواجه کند. این کار به سپهر سیاسی و اقتصادی محدود نمی‌شود. ما مجبوریم سازمان‌دهی بزرگی ایجاد کنیم و این قضیه را قابل‌فهم سازیم که یک بدیل وجود دارد. این همچنین نبردی ایدئولوژیک است.

ال‌مایزال با دشواری‌های زیادی روبه‌رو است. وقتی با این دشواری‌ها روبه‌رو می‌شویم، رشد می‌کنیم و بزرگ می‌شویم. فرایند ایجاد کمون فرایند یادگیری و یاددهی هم هست. می‌دانیم که مردمان سراسر جهان به دیدار ما می‌آیند و ما را راهنمایی می‌کنند. امیدوارم ما هم بتوانیم از پروژه‌های مشابه دیدن کنیم و از آنان بیاموزیم. زندگی ما را هر جا که ببرد، هدف ما تلاش برای نیرومندسازی پروژه‌های مردمی اشتراکی و جمعی خواهد بود.

<https://venezuelanalysis.com/analysis/14772>